

Flowers are bait

ترجمہ و ادیت انور سسکای تقسیم میکنہ

Uploader Lian & Lala

Translator Lala

Editor Zahra & Daki

Director Lian





بالاخره اومدیم خونه...



لی یئون،
بنظر خسته میای.



بخاطر اینه که
توی راه برگشت مخم رو با
سوال هات خوردی.



چندساله؟
...همسنگ
می.
تو چند سالت؟
32 سال.

پس، چرا انقدر
رسمی باهم حرف
میزنیم؟
چون تو
همیشه خیلی مودب
بودی...

خودم میتونستم
راه بیام.

م- معلومه که نه!

هین الان
هم وضعیت پاهات
داغون!

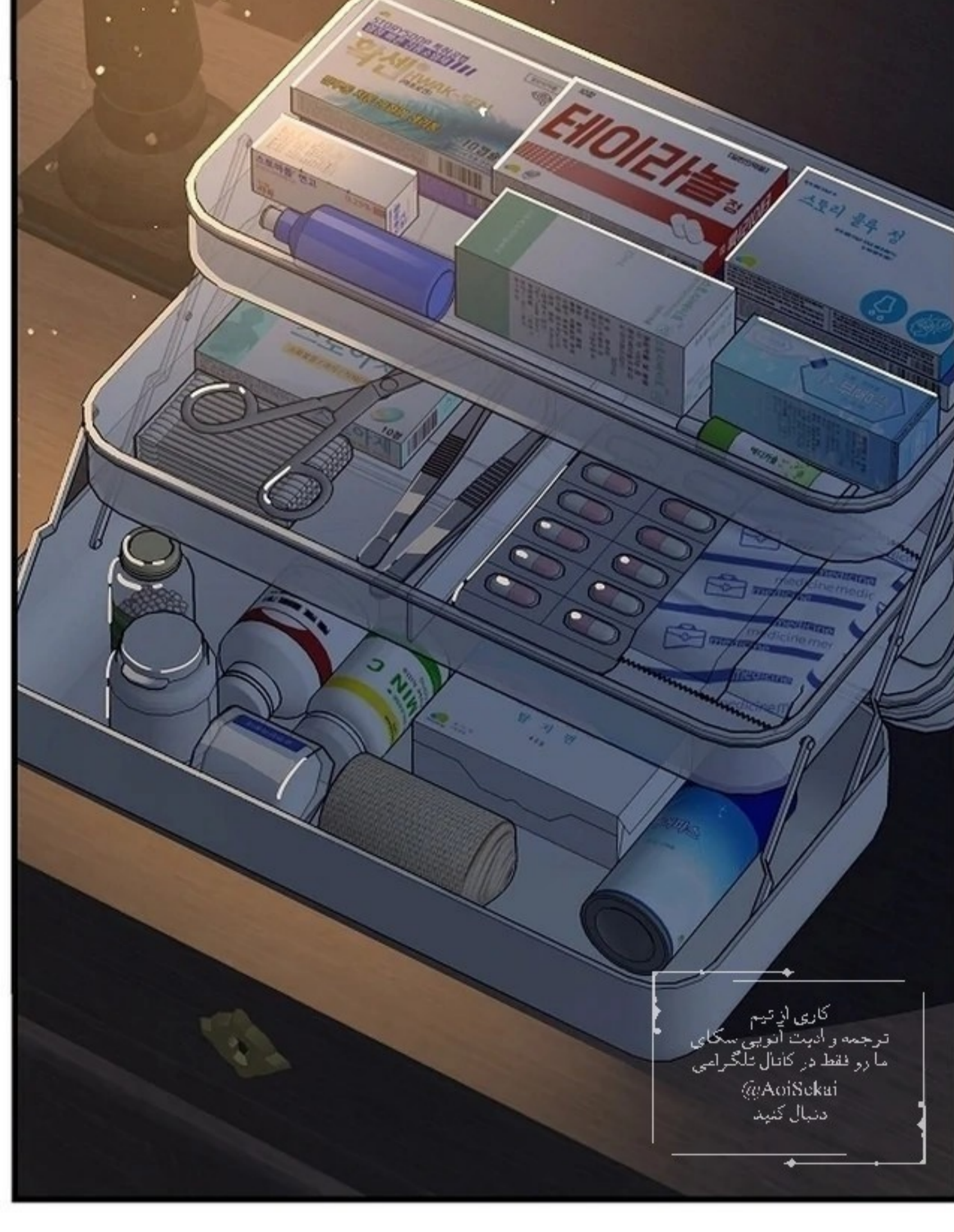
اگه اتفاقی
برات بیفته، مسئولیت
با منه!

بیا، یه آگی به دست و
صورتت بزنی و لباسهات رو
عوض کن!

من هم میرم
جعبه‌ی کلک‌های اولیه
رو بیارم.

타타타

타카



کاری از تیم
ترجمه و ادیت انویسی سکاکی
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSakai
دنبال کنید



...باید درد داشته باشه ولی چیزی بروز نمیده.



آه!!



چرا اینجوری بهم
زل زده؟!

مثل یه شکارچی
میعونه که داره شکارش
رو برانداز می‌کنه...

نه بیخیال.
درد کشیدن یه قاتل به
من چه ربطی داره؟

من فقط
باید سریع این رو
تعومش کنم.

بیا. تموم شد.

این فقط پلک‌های
اولیم‌ست. فردا دخترها درست
حسابی بخت رسیدگی
می‌کنن.

دیگه میرم پایین.

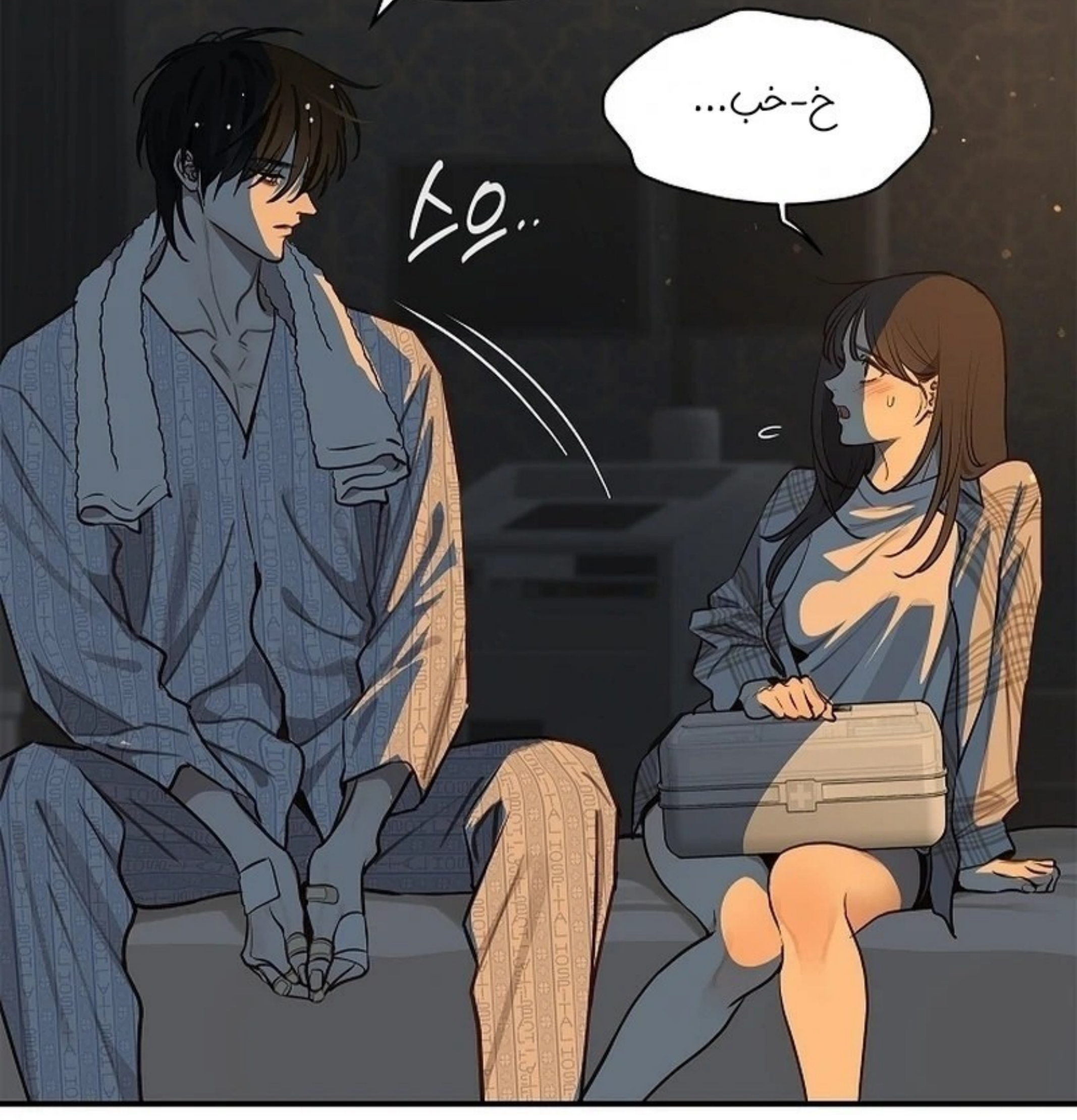
چرا؟

...چی؟

ما ازدواج کردیم.
چرا باید جدا از هم
بخوابیم؟

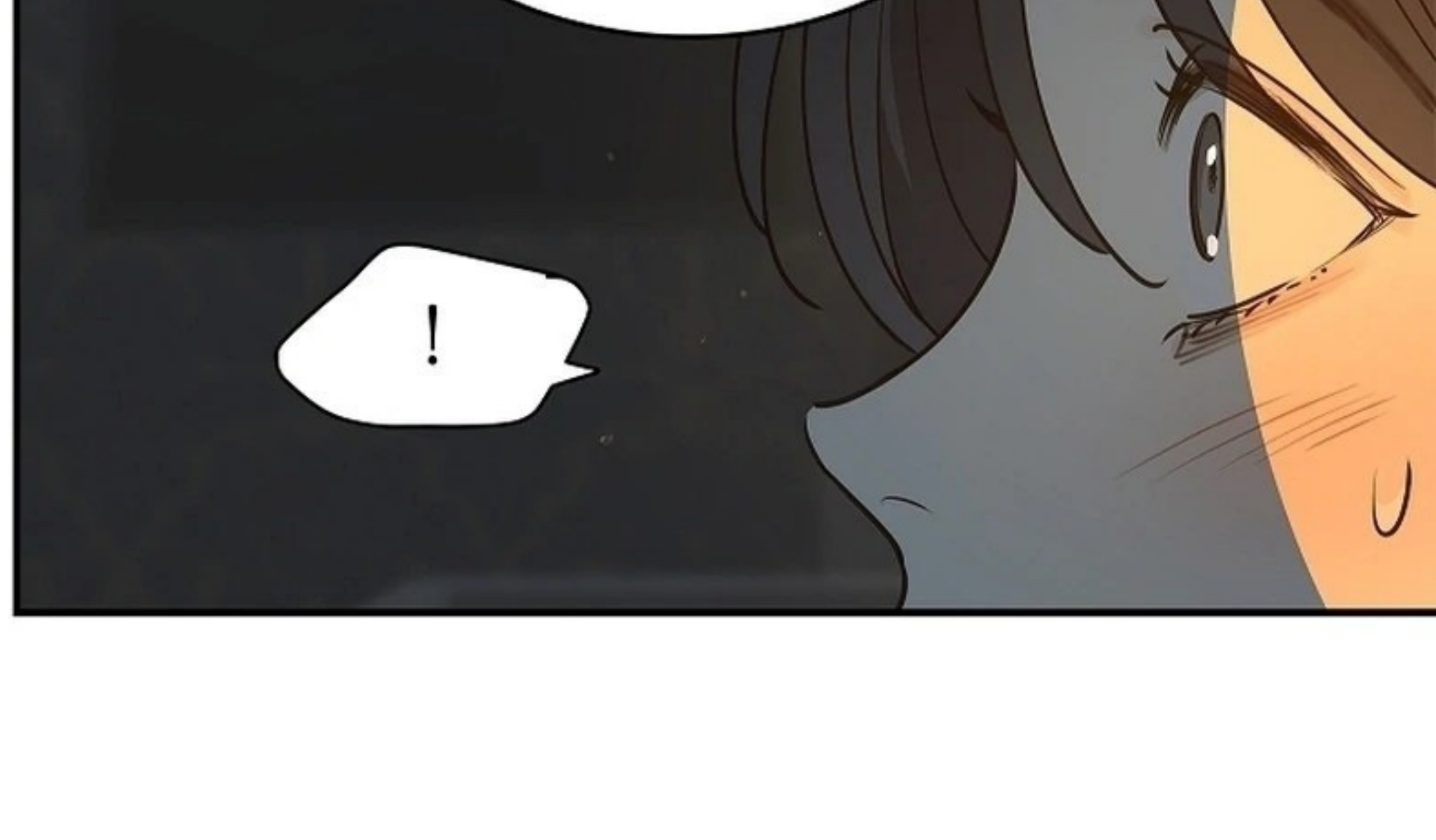


چون
من شبیه همسری
که به یاد داری
نیستم؟



خ-خب...

پس، قول میدم
آروم باشم.



نه بهت دست
میزنم، نه مجبور می‌کنم
که کاری کنی و نه تهدید
می‌کنم.



شبیه
همسری که به
یاد داری رفتار
می‌کنم.

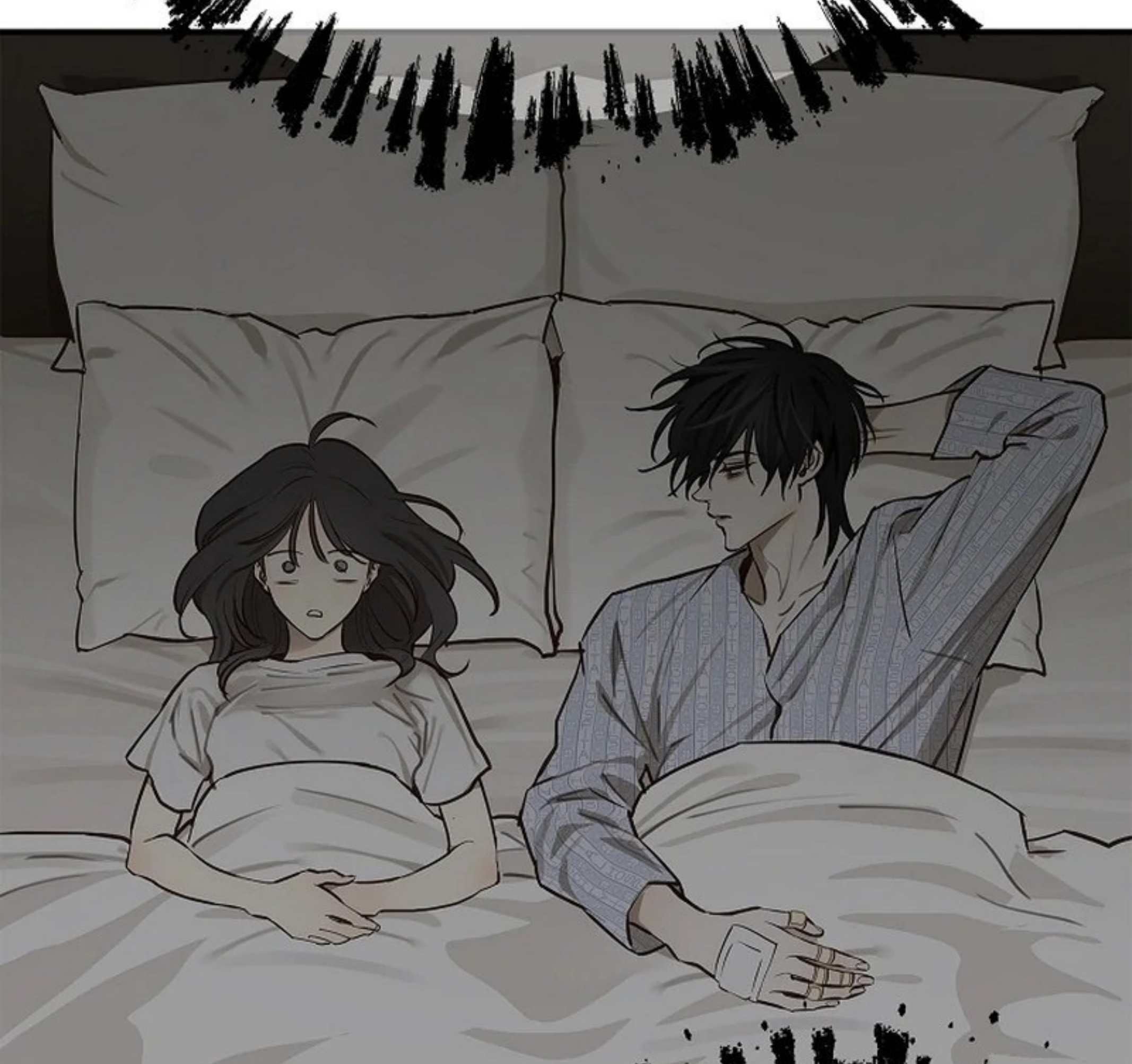
پس...



پیشم بخواب.

پس، در آخر...

انجامش دادم.



در آخر، پیش یه

قاتل لعنتی...

دراز کشیدم!!!

سوالات زیادی

دارم.



فقط بخواب.

...بیشتر در باره‌ی

چی کنجگویی؟

چی باعث شد به

کما برم؟



چه شروع
چالش برانگیزی!

... با هم رفته بودیم
کوهنوردی. یک تصادفی رخ
داد و تو افتادی.

تو هم افتادی؟

م-من؟ خب، من
بد جور آسیب ندیدم.

... کی ازدواج
کردیم؟

دو سال پیش...؟

پس، ازدواج
نکرده، افتادی تو کار
مراقبت از شوهر
مریضت...

حتما بهت سخت
گذشته.

هاه، اون... در کمال
تعجب احساسی برخورد
کرد.

چه مدت قرار
میداشتیم؟

خ-خب...

سوال ها هی دارن
سخت تر میشن!!

و تجربه ام در این
زمینه صفره!

برای قابل باور
کردنش هم قوه تخیلم
داغونه!

ما فقط... یه جورایی...

ها

یه جورایی؟

عجیب بنظر
میاد آگه بگم بلافاصله
ازدواج کردیم؟

اوه...

خب به هر حال،
توی این جزیره ازدواج های
سنتی هنوزم مرسومه...

رابطه جنسی یه
شبه داشتیم؟

...یه...

ج-چی؟

اول باهم
سکس کردیم و دیدیم
حال داد،

و تصمیم
گرفتیم که مناسب
همیم و زدیم تو
کارش؟

لعنتی. باورم
نمیشه همچین چیز
مهمی رو یادم رفته.
چه شرم آور!



لی یئون، فکر کنم
جسورتر از حد انتظامم
بودیا.



اینجور نیست...!

او هوا پس، من
اغوات کردم.



لی یئون کوچولو
رو از راه بدر کردم و روی
یه انگشتم چرخوندمت و
بعد کشوندمت توی
تختم.

همینجوره؟

پس، یه حرومی
بی شرم و حیا بودم؟
هاه؟



وایستاه وایستای پیستم...!!!



کاف

چرا مکالمه مون
به این سمت پیش
میره؟!

این چه جو
مزخرفیه دیگه!!!

کاف

درست. فقط
بخطار "متاهل" بودنمون
الان توی یه تختیم. پس،
مشخصه موضوع بعدی
اینه...!!

ایین-

ایین-



باید جلوش رو
بگیرم!!

ق-

قطعا!!



در واقع، اینجور نیست.

کارهون توی تخت انقدر هم خوب نبود.



.....



...چی؟



م-منظورم اینه... خوب نبود.

...سکس؟

آ-آره. هون.



و کار کی خوب نبود؟

...هه؟

کدومون رید توی سکس؟

خ-خب، فکر
کنم ما...



جفتون... یجورایی...
خوب نبودیم...؟

اوه



از دست دادن
حافظم رو بیخیال! این حتی
از اونم شوکه کننده تره!



پس برام
بگو، دقیقا چجوری و
کجای کارمون بد
بود...؟



آه! اون...

فکر کن!!

توی این ۳۲ سالی
که زندگی کردم، بالاخره
یه چیزی باید شنیده باشم
که بدرد بخوره!



اوه

فهمیدم!



ما،

ما فقط... مناسب
هدیه نبودیم.



وقتی باهم
میخوابیدیم، واقعا چیز خاصی
حس نمیکردیم.

من هنوز
حتی نمیدونم ارگاسم
چیة!



و تو میگفتی
دیگه سکس اونقدرها
برات جالب نیست.



راستش، من
مشکلی نداشتم.

تو یجورایی... حس
راهب گونه داشتی. میدونی؟
بخاطر همین مطمئن بودم
که میخوام باهات ازدواج
کنم.

...یه راهب؟
اونم من؟



بخاطر همین
رابطه‌ی افلاطونی‌ای
داشتیم.



پس، بهم میگی
برای دوسال از مردی نگه داری
کردی که هیچ علاقه‌ای به
کیرش نداشتی!



لعنتی. لی یئون،
در این حد من رو دوست
داشتی؟



واو! این سوء تفاهم
داره کاملاً از دستم
خارج میشه.

ولی یجورایی به
نفعم شد.

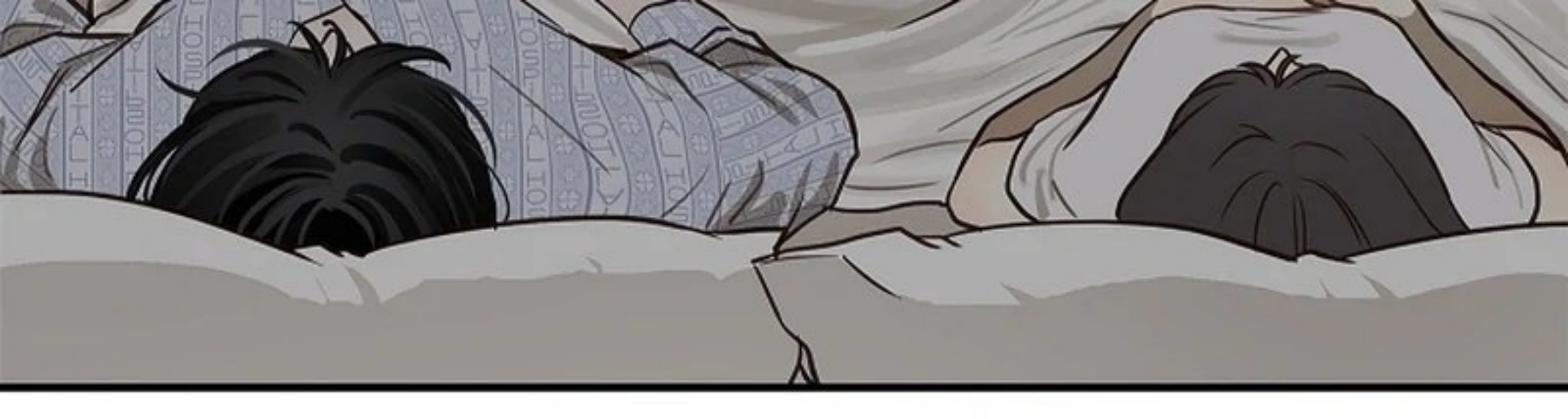
ح-حقاً خسته‌و
کوفته‌ای. بیا بخوابیم.

...بسیار خب.
لی یئون، شب خوش.

باید کاری کنم نفهمه
این سوء تفاهمه.

.....





اون خوابیده؟
درسته؟



اوه، خدای گل و گیاهان،

لطفا، بذار این مرد
عمیق بخوابه،

مثلا برای یه هفته.

منظورت از...؟

کارم بد بود
چی؟

سکس برات
خسته کننده بود؟ یا
عشق بازی... خوب
نبود؟

وایسا... من که
باکره نبودم؟ مگه
نه؟





د-دیدی؟!

رفتارش رو؟



پس، لطفاً التماس است
میکنم! برای یه هفته به
خواب بپوش!

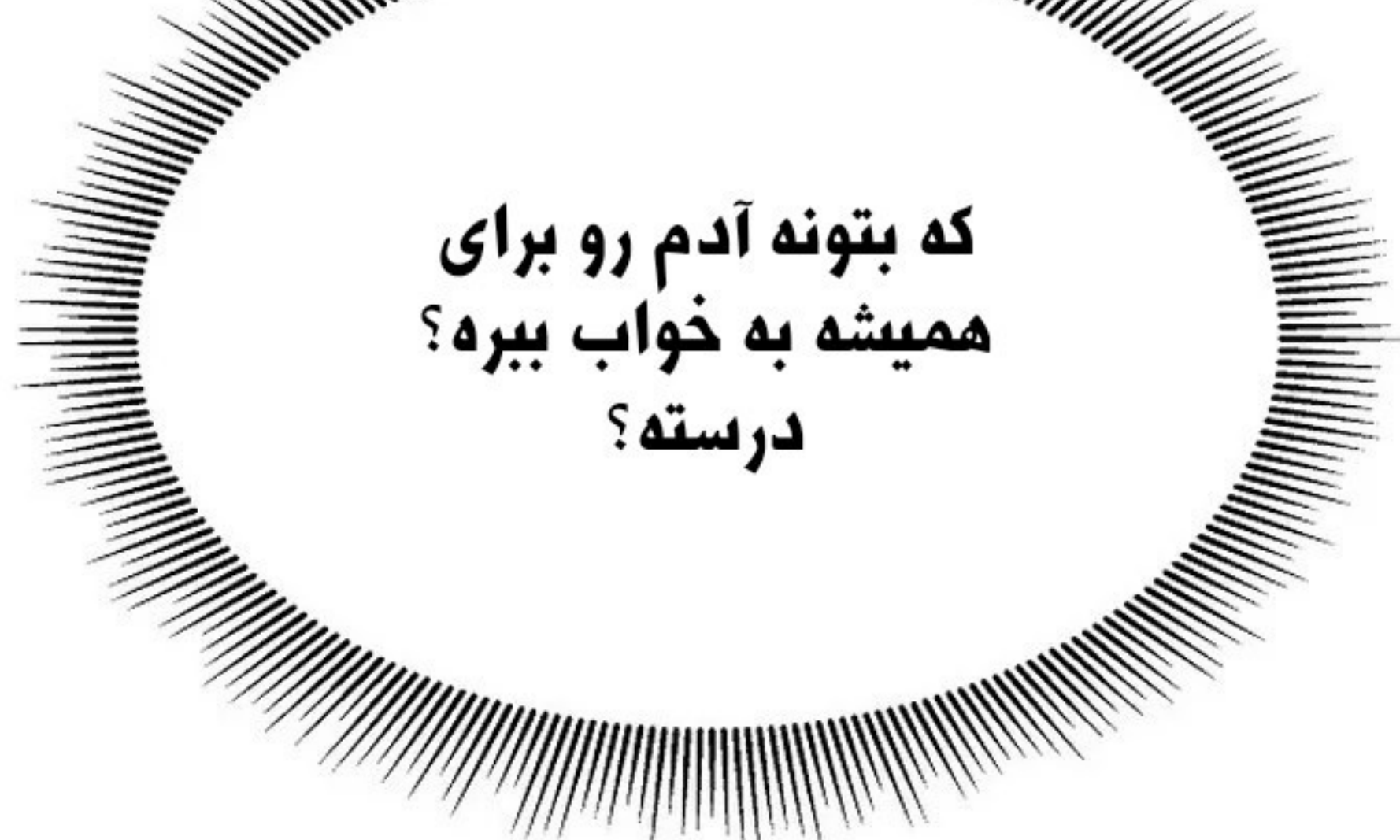
نه!



تا جای ممکن به
خواب ببرش!



حتما به سندروم
کوفتی برای این دعام
هست دیگه!



که بتونه آدم رو برای
همیشه به خواب ببره؟
درسته؟



لظفاااا!!



کاری از تیم
ترجمه و ادیت آنوبی سکای
ما فقط در کانال تلگرامی
@AniSekai
دنبال کنید

ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم‌اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Seaki

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی رویکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام‌رسان‌های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه‌ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)